

تجدد الفكر

شکار یا فرار مغزها

می‌شود افرادی با تخصص‌های پایین‌تر و گاه غیرمتخصصان عهده‌دار مشاغل تخصصی در کشورهای جنوب شوند. درصد نخبگان که بیشتر زمینه وراثتی دارد، هم چیزی نیست که بتوان با برنامه‌ریزی افزایش داد.

آمار نشان می‌دهد که ۹۲ درصد از جوانان ایرانی که در المپیادهای فنی و ریاضی مقام اول تا سوم را کسب کرده‌اند به دعوت دانشگاه‌های خارجی از کشور خارج شده‌اند و امکان بازگشت آنان نیز زیاد نیست. طی ده سال اخیر ایران بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نیروی متخصص برای کانادا بوده است!

از صد هزار ایرانی مستقر در آلمان طی سال‌های گذشته ۲۰۰۰ جلد کتاب منتشر شده است در حالی که از دو میلیون مهاجر ترکیه در این کشور فقط ۱۰۰ جلد کتاب منتشر شده است و این آمارها بیانگر خسارت عظیمی است که به علت خروج مغزها بر سرمایه ملی کشورمان وارد می‌شود و البته به بررسی دقیق و عمیق نیاز دارد.

علاوه بر وضعیت امنیت شغلی و امنیت اجتماعی، یکی از علل مهمی که بستر لازم را برای خروج مغزها فراهم می‌آورد، نیافتن زمینه مناسب توسط نخبگان برای پرورش استعدادها و شکوفایی توانایی‌های آنهاست. سرمایه‌گذاری کلان و سنجیده در دانشگاه‌ها و افزایش بودجه پژوهشی کشور می‌تواند روند خروج را کند و حتی

پدیده خروج نخبگان را چه شکار مغزها بدانیم و یا فرار آنها، نتیجه‌اش برای کشورهای جنوب یکسان است. پس از جنگ دوم جهانی که کشورهای اروپایی بازسازی را آغاز کردند، نیاز به نیروهای متخصص و ماهر باعث شد خیل عظیمی از این افراد از کشورهای در حال توسعه عازم اروپا شوند. بعدها زمینه جذب آنان در امریکا فراهم آمد و بیشترین و سرآمدترین مغزها راهی آن دیار شدند. آثار مخرب زیادی را برای کشورهای مبدأ که بیشتر از کشورهای جنوب هستند می‌توان برشمرد:

هزینه زیادی صرف تربیت نیروی انسانی می‌شود اما آنان در زمان باروری و بهره‌دهی راهی کشور دیگر می‌شوند. فقط منافعی که سوئیس (از کشورهایی که کمترین پذیرش را در فراز مغزها دارد) در سال ۲۰۰۰ در قبال پذیرش نخبگان عایدش شده است معادل ارزش صادرات یک سال زعفران ایران است. امریکا طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷ با جذب متخصصان دیگر کشورها، بیش از ۵ میلیارد دلار در هزینه‌های تعلیم و تربیت صرفه‌جویی کرده است.

همه این عایدات و صرفه‌جویی‌ها از کیسه کشورهای جنوب به دست می‌آید. این مسئله فقط زیان مادی را تحمیل نمی‌کند. خروج متخصصان و نخبگان نه تنها در روند سازندگی کشور ایجاد اخلال می‌کند بلکه موجب

در مواردی زمینه بازگشت نخبگان را فراهم آورد. تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری معقول در حوزه اطلاعات و دانش و غنی‌سازی مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ها یکی از جاذبه‌هایی است که می‌تواند آثار مثبتی را در جذب نخبگان داشته باشد. ایجاد شهرها و پارک‌های علمی یکی از تجربیات موفق است که در جهان به نتیجه رسیده است. شهرهای علمی "توکوبا" در ژاپن و "لایدوک" در کره و پارک علمی "هسین چو" در تایوان نقش ارزشمندی در جذب نخبگان ایفا کرده‌اند. در پارک علمی "هسین چو" کلیه زیرساخت‌های لازم در حد استانداردهای جهانی برای فعالیت‌های پژوهشی و سرمایه‌گذاری فراهم آمد. وام‌های بلاعوض و کم بهره، فعالیت‌های مالیاتی، و مساعدت‌های لازم برای انجام تحقیقات، از تمهیداتی بود که برای راه‌اندازی این پارک اندیشیده شده بود.

پس از گذشت ۵ سال از فعالیت این پارک ۱۶۵۰۰ نفر نیروی متخصص جذب آن شدند و فروش سالانه آن به

۳/۷ میلیارد دلار رسید. انجام این پروژه نه تنها موجب کند شدن روند خروج مغزها از کشور شد بلکه باعث شد که سالانه ۱۰۰۰ متخصص تایوانی به کشور بازگردند. این تجربیات نشان می‌دهد که به حوزه اندیشه باید بیشتر پرداخت.

اگر شرایط مادی و معنوی برای ماندگاری این سرمایه فراهم نیاید، اگر نخبه‌گزینی به جای منگل‌گزینی در رأس برنامه‌ریزی نیروهای انسانی قرار نگیرد و... باید شاهد همیشگی این پدیده اسفبار باشیم. پدیده‌ای که نیاز به برنامه‌ریزی و هزینه از سوی کشورهای مقصد ندارد بلکه شکار عاشقانه (!) و با صرف مخارج بسیار در پی شکارچی خواهد دوید.

صیاد پی صید دویدن عجیبی نیست

صید از پی صیاد دویدن مزه دارد

مزه‌ای تلخ و هشدار دهنده!

فریبرز خسروی